

همایش ملی مطالعات و پژوهش های علمی علوم انسانی

نهاد برگزار کننده همایش: موسسه قانون یار با حمایت معنوی دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرمانشاه
سرمدیر علمی و مسئول برگزاری همایش: دکتر بهنام اسدی شماره مجوز: ۷۸۸۶۴-۴۸۵۳
سال برگزاری همایش: ۱۳۹۷ شماره مقاله: ۵۰۳/۵۰۰ رده بندی کنگره: ط ۸۸۳/۲

تحلیل جزایی حمایت کیفری از نظام مالی و اقتصادی با

نگاهی به قانون آمریکا

هادی فیاضی

چکیده

مفاسد اقتصادی به آن دسته از جرائم علیه تمامیت اموال عمومی و دولتی گفته می شود که باعث ایجاد اختلال در نظام اقتصادی کشور در سطح کلان می گردد و با خارج ساختن امور اقتصادی از مجرای صحیح و سالم خود، منجر به دارا شدن غیرعادلانه و تحصیل ثروت های کلان توسط عده قلیلی از اشخاص یا مقاماتی که به واسطه بهره مندی و بعضاً بهره مندی از قدرت سیاسی یا ارتباط با مقامات سیاسی و نیز با سوء استفاده از منابع اطلاعاتی و سیاسی و اقتصادی و طرق مختلف دیگر دارای امکان و موقعیت تحصیل ثروت نامشروع از اموال عمومی یا دولتی یا از فرصت های غیرقانونی و تبعیض آمیز می باشد. با نگاهی اجمالی به مفاد قوانین حقوقی به راحتی می توان دریافت که در حال حاضر، برخی مفاسد اقتصادی حاضر نظیر استفاده از رانت های اطلاعاتی و پول شویی و امثالهم با قوانین جزایی موجود قابل تعقیب کیفری نیستند و این امر با توجه به اصل حقوقی قانونی بودن جرم و مجازات دست مردان قضا را در برخورد با مفسدان اقتصادی بسته است از این رو به نظر می رسد که قوه مقننه باید هرچه سریع تر با توجه به مقتضیات روز، قوانین جزایی جامعی را برای برخورد با مفسدین اقتصادی در موارد خلأهای قانونی به تصویب برساند.

واژگان کلیدی: نظام اقتصادی، قوانین جزایی، حمایت کیفری، قانون مجازات،

جرائم مالی

بخش اول: ماهیت جرایم اقتصادی و تعریف آن

جرایم اقتصادی معمولاً در بستر یک بنگاه اقتصادی، موسسه یا شرکت رخ می‌دهد. حقوق کیفری اقتصادی، هم حقوق کیفری تجاری و هم فراتر از آن می‌باشد. در واقع حقوق کیفری اقتصادی دو رسالت عمده بر عهده دارد: ۱- حمایت از منافع خصوصی افراد. ۲- مدیریت اداره‌ی اقتصاد کشور. (تضمین منافع جمعی و منافع دولت) اگر بخواهیم این دو را از هم تفکیک کنیم حقوق کیفری تجاری منافع خصوصی تجار و شرکت‌ها را تضمین می‌کند. در حالی که حقوق کیفری اقتصادی فراتر از منافع یک عده‌ی خاص است. اما ماهیت حقوق کیفری اقتصادی بر اثر اینکه نوع نظام ما از جهت اقتصادی لیبرال یا ارشادی باشد متفاوت است. در نظام ارشادی حضور دولت پررنگ است. لذا حقوق کیفری اقتصادی گسترده‌تر است. ولی، در نظام لیبرال چون حمایت از سرمایه مهم است فی‌المقدور تخلفات اقتصادی با ضمانت اجرای صنفی، اداری و غیر کیفری پاسخ داده می‌شود. در مورد جرایم اقتصادی یک جامعیت در تعریف و مصادیق آن وجود ندارد. ولی راجع به آیین دادرسی خاص جرایم و مجازات‌ها اکثر حقوق‌دانان به یک جمع‌بندی کلی رسیده‌اند که ذیل حقوق کیفری اقتصادی قرار می‌گیرند. در حقوق داخلی هیچ‌گونه تعریفی از جرم اقتصادی وجود ندارد و با خلاء قانونی روبرو هستیم. در یک رای دیوان کشور فرانسه جرم اقتصادی چنین تعریف شده است: جرم اقتصادی جرمی است که مربوط به تولید، توزیع و جریان و مصرف کالا و تولیدات می‌شود. برای جرایم اقتصادی وجود ۴ عامل ضروری است: ۱- وجود ساختارها و مبنای اقتصادی سالم: جرم اقتصادی در یک بستر سالم و در قالب قرارداد و روابط اقتصادی و با همکاری نهادهای دولتی یا به صورت مستقل صورت می‌گیرد. در سازمان‌های مافیایی که ذاتاً مجرمانه‌اند جرم اقتصادی نداریم. ۲- کنارگذاری عنصر خشونت. ۳- جرم اقتصادی با نوعی فرصت‌طلبی مجرمانه ملازمه دارد: این فرصت‌طلبی ارتباط تنگاتنگی با درجه‌ی هوش و صلاحیت حرفه‌ای و شغلی مرتکبین و میزان اعتماد افراد به آنها دارد. این بزه‌کاران برای جامعه خطرناک‌ترند

چون هم جامعه پذیرند هم از سازگاری اجتماعی بالایی برخوردارند. ۴- اصولاً در جرایم اقتصادی مرتکبین به دنبال کسب سود و پول هنگفت هستند.^۱ جرائم اقتصادی یکی از آسیب‌های مهمی است که امنیت اقتصادی کشورها را مورد تهدید قرار می‌دهد. این موضوع بخصوص در کشورهایی که دارای اقتصاد رانتی هستند، دارای ابعاد و مظاهر آشکارتری هست. جرائم اقتصادی با زنجیره‌ای از جرائم دیگر در ارتباط است؛ جرایمی از قبیل ارتشاء، تطهیر درآمدهای نامشروع یا پولشویی، جعل اظهار نامه‌های گمرکی یا مالیاتی و در حالت سازمان یافته ایجاد اختلال در نظام اقتصادی ایران و آمریکا که هر یک به نوبه خود قدرت فراوانی در تخریب منافع ملی و سرمایه‌های اجتماعی دارد. پول‌های باد آورده، به هم ریختن توازن اقتصادی، فرار سرمایه و به هم زدن برنامه‌های مدیران و مسئولان برای کنترل سلامت و امنیت اقتصادی و ... وجه مشترک همه انواع جرائم اقتصادی است. به همین دلیل در دولت‌های ایران و آمریکا در صدد شناسایی علل و عوامل واقعی وقوع جرائم اقتصادی بوده تا با وضع مقرراتی در این زمینه، به حمایت از نظم و امنیت اقتصادی برخیزند.^۲

بخش دوم: ویژگی‌های خاص حقوق کیفری اقتصادی

این ویژگی‌ها از بعد ماهوی و شکلی و همچنین مجازات‌ها مورد بررسی قرار می‌دهیم.

بند اول: بعد ماهوی و عناصر تشکیل دهنده‌ی آن

۱- عنصر قانونی: در حقوق کیفری اقتصادی منابع ملی و فراملی متنوعی وجود دارد. در این قوانین برای تعیین مجازات نوعاً از فن ارجاع به دو شکل استفاده می‌شود؛ ۱- در متن قانون مقنن یک قاعده را وضع می‌کند و در پایان متن یک ماده مستقلی را به مجازات

^۱ حبیبی نادر فساد اداری عوامل مؤثر و روشهای مبارزه با فساد مؤسسه فرهنگی انتشارات و نقی تهران ۱۳۷۵ ص ۱۶

^۲ بانک مرکزی مجله علمی - تخصصی روند شماره‌های ۳۷ اسفندماه ۱۳۸۱ تهران ص ۲۲

اختصاص می‌دهد. این به این معنی است که جرایم قبلی از نظر مقنن یکسان است که در قانون تجارت الکترونیک مصوب ۱۳۸۳ به چشم می‌خورد. ۲- در یک ماده مقنن جرم را تعریف می‌کند ولی مجازات را در همان ماده نمی‌آورد بلکه در ذیل آن از عبارت « در حکم» استفاده می‌کند. این شیوه در کشور ما مرسوم است و ممکن است دو جرم هیچ رابطه‌ی ماهیتی نداشته باشند مثلاً در ماده‌ی ۱۸۳ ق.م.ا. محاربه تعریف شده است و در جایی دیگر مقنن احتکار و گرانفروشی را در حکم محاربه می‌داند یا قاچاق انسان که این جرم را از مصادیق محاربه معرفی می‌کند. اگر مقنن می‌خواهد اوصاف و نیز مجازات جرم را تشدید کند چه لزومی به تغییر عنوان دارد.

۲- عنصر مادی: عنصر مادی جرایم اقتصادی بیشتر به صورت ترک فعل رخ می‌دهد. مثل عدم ثبت شرکت‌ها، عدم وجود نظم در دفاتر حسابداری و ...

۳- عنصر معنوی: عنصر معنوی در جرایم اقتصادی نوعاً مفروض است و بیشتر جنبه‌ی مادی صرف دارند زیرا حرفه‌ای بودن صاحبان مشاغل با آگاه بودن آنها از آثار اعمالشان ملازمه دارد.^۱

فساد اقتصادی به یکی از مشکلات مهم کشورهای در حال توسعه تبدیل گردیده است، عده‌ای برای این عقیده‌اند که اصولاً راهی برای حل این مشکل وجود ندارد. عده‌ای نیز برآنند که مجازات و تنبیه عاملین فساد تنها راه حل مشکلات مقابله با فساد اقتصادی است. مشکل فساد اقتصادی حل نخواهد شد، مگر آنکه عوامل و ریشه‌های بروز این پدیده زشت را کشف و ریشه‌کنی این عوامل را برای مقابله با فساد مهیا گردد. در این مقاله ضمن توصیف عوامل بروز فساد، نقش آزادسازی اقتصادی و مقررات‌زدایی در حل مشکل فساد را تشریح

^۱ بانک مرکزی مجله علمی - تخصصی روند شماره‌های ۳۷ اسفندماه ۱۳۸۱ تهران ص ۱۵

می‌نمائیم. هدف اصلی اصلاحات اقتصادی، ایجاد بازارهای رقابتی و برطرف کردن عوامل اغتشاش در قیمت‌ها است. تا از این طریق فضای مه‌آلود و تیره اقتصادی جای خود را به شفافیت دهد و کارایی اقتصادی جای رفتارهای نامعقول، فرصت‌طلب و غیر موجه را بگیرد. دخالت‌های دولت مهم‌ترین عامل گل‌آلود شدن آبی است که رانت خواران و انحصارگرایان در آن ماهی می‌گیرند. دخالت دولت در فعالیت‌های اقتصادی باعث می‌شود که دولت در بسیاری از مواد نقش تولیدکننده یا توزیع‌کننده کالاهای صنعتی را داشته باشد. دولت به بسیاری از فعالیت‌های صنعتی و کشاورزی یارانه زیادی اختصاص داده و کسب رانت می‌تواند منافع سرشاری داشته باشد. پرداخت تسهیلات بانکی، زمین و مواد اولیه به نرخ دولتی از جمله تسهیلات ارائه شده از سوی دولت به متقاضیان احداث واحدهای صنعتی یا کشاورزی است. هم شهروندان متقاضی کالاها و خدمات و هم کارمندان مسؤول، از فرصت‌هایی که روش توزیع دولتی برای کسب منافع از طریق رانت ایجاد می‌کند آگاه هستند. واضح است که هر قدر میزان مداخله دولت در امور تولیدی و توزیعی بیشتر باشد، تقاضا برای فساد نیز بیشتر است.^۱ حضور دولت در فعالیت‌های اقتصادی و صنعتی و سیاست‌های قیمت‌گذاری عامل مهمی در جرایمی مانند ارتشاء به حساب می‌آید. غالباً قیمت فروش یک محصول تولیدی از قیمت بازار آزاد آن به مراتب پایین‌تر است و این امر باعث افزایش تقاضا نسبت به عرضه خواهد شد. به این دلیل دولت ناچار است از بین متقاضیان طبق معیارهایی، افراد واجد شرایط را انتخاب کند. ارزیابی شرایط متقاضیان و انتخاب افراد واجد شرایط به عهده دستگاه‌های اداری است و به کارمندان مسؤول قدرت زیادی داده و زمینه جهت ارتشاء فراهم می‌گردد. چنانچه دولت در فروش کالاهای خود از قیمت‌های تعادلی (قیمتی که با ایجاد تعادل بین عرضه و تقاضا

^۱ حبیب زاده، محمد جعفر، محاربه و فساد فی الارض در حقوق جزای اسلام، انتشارات کیهان، زمستان ۱۳۷۰ ص ۱۴

ایجاد می‌شود) استفاده کند، دیگر انگیزه‌ای برای شهروندان برای متوسل شدن به این روش‌ها وجود ندارد. هنگامی که دولت در مکانیزم بازار اختلال ایجاد کرده و باعث ایجاد صف و بازار سیاه می‌شود، این دخالتها به طور گسترده‌ای افزایش فسادهای اقتصادی را به دنبال دارد. فساد اقتصادی یا مالی چیست؟ فساد مالی نقض قوانین موجود برای تامین منافع و سود شخصی است از فساد غالباً به عنوان یک بیماری شدید نام برده می‌شود. بیماری نظیر سرطان و یا ایدز که بطور بی‌رحمانه از یک سازمان به سازمان دیگر و از یک نهاد به نهاد دیگر سرایت می‌کند، بطوریکه تمام نهادهای موجود را تحلیل برده تا منجر به فروپاشی سیستم سیاسی حاکم شود رواج فساد مالی به درستی به عنوان یکی از مهمترین موانع در راه پیشرفت‌های موفقیت‌آمیز اقتصادی، برای مثال در کشورهای آسیایی و آفریقایی، برشمرده شده است. سطح بالای فساد مالی می‌تواند موجب ناکارآمدی سیاست‌های دولتی شود تحقیقات موجود نشان می‌دهد که فساد باعث کاهش سرمایه‌گذاری و در نتیجه کاهش رشد اقتصادی خواهد شد. فساد مالی می‌تواند فعالیت‌های سرمایه‌گذاری و اقتصادی را از شکل مولد آن به سوی رانتها و فعالیت‌های زیرزمینی سوق دهد فساد مالی می‌تواند موجب پرورش سازمانهای وحشت‌ناکی مانند مافیا شود فساد گسترده و فراگیر یکی از نشانه‌های ضعف حاکمیت است و عملکرد ضعیف حاکمیت می‌تواند روند رشد و توسعه اقتصادی را رو به تحلیل برد. اگر بخواهیم به علل و عوامل رواج فساد مالی اشاره کنیم باید گفت، اقتصادهای از بالا هدایت شده یکی از پایه‌های پرورش رشوه‌خواری و فساد مالی است، تجربه کشورهای جنوب آسیا مؤید آن است همچنین اگر مدیران قدرت فراوان داشته باشند و درعین حال فقیر باشند تمایل به فساد مالی تشدید می‌شود یکی دیگر از علل گسترش فساد خاصیت مسری بودن آن است در تحقیق و بررسی که پارلمان ایتالیا در سال ۱۹۹۳ درباره فساد مالی مافیا انجام داده است مشخص شد اعتقاد به این که دیگران

هم همین کار را می‌کنند یکی از دلایل مکرر فساد مالی بوده است رفتار مبتنی بر فساد در بین مقامات بالا تأثیری فراتر از پیامدهای مستقیم ناشی از آن رفتار دارد، لذا سرنخ فساد را باید بین مقامات بالا جستجو کرد. برای مبارزه با فساد چه می‌تواند کرد؟ با اصلاح ساختارهای سازمانی و قوانین این مکان وجود دارد که تعادل بین منافع و ضررهای ناشی از رفتار مبتنی بر فساد مالی را جرح و تعدیل کرد اصلاحات ساختاری در حوزه‌هایی چون مالیات، قوانین معاملات خصوصی و توسعه پروژه‌های زیربنایی تحت مسئولیت دولت، ضروری است اصلاحات نهادی برای افزایش شفافیت و پاسخگویی بخش دولتی و کمک به سازمانهای مستقل ضرورت دارد دولتها باید در این راستا در ایجاد ساختارهای نهادی مورد نیاز رشد عادلانه تردید نکنند. در چین قدیم به بسیاری از بروکراتها حق نیفتادن به دام رشوه‌خواری و فساد مالی پرداخته می‌شد که آنرا یانگ - سین می‌نامیدند تا انگیزه اطاعت از قانون و سلامت نفس آنان تقویت شود این اقدام و دیگر اقدامات مشابه ترغیبی می‌تواند کارایی داشته باشد اما به سختی می‌توان به انگیزه‌های صرف مالی مانع رشد فساد مالی شد فراتر از این، نیاز به تمرکز روی الگوها و ارزشهای غالب ضرورت دارد به عبارت دیگر برای درک کامل چالش فساد مالی باید فرضیه‌ای که ارزش ها و هنجارها را نادیده می‌گیرد و نتیجه می‌گیرد که صرفاً منافع افراد آنان را به سمت فساد مالی سوق می‌دهد را کنار بگذاریم وجود نظامهای شفاف قوانین و مجازات به همراه اقدامهای جدی می‌تواند از جمله ارزشهایی باشد که شخص آن را محترم می‌شمارد احترام به این گونه ارزشهای حکم حصار در برابر فساد مالی را دارد فساد مالی طاعون دموکراسی است پس باید قبل از این که شروع شود متوقف شود. در سال های اخیر بیشترین توجه در کشورها به آثار اقتصادی فساد، معطوف شده است. در این ارتباط عده‌ای در مطالعات مختلف نشان داده‌اند که عوامل اصلی که فساد را در جامعه افزایش می‌دهند عبارتند از: بوروکراسی، سطح

دستمزدهای بخش دولتی، نقش قوانین، خصوصاً قوانین ضد فساد، در دسترس بودن منابع طبیعی، درجه رقابت، تجارت آزاد و همچنین سیاست صنعتی کشورها. در مقابل عده‌ای دیگر توجه خود را به آثار و عواقب فساد متمرکز کرده‌اند، به عبارت دیگر در گزارشات خود نشان داده‌اند، فساد بر روی رشد اقتصادی، سرمایه‌گذاری دولتی، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، نابرابری درآمد و فقر موثر است. همچنین این گروه نشان داده‌اند که فساد بر کارایی اقتصاد، عدالت و رفاه اثر داشته است. براساس اعتقاد برخی از اقتصاددانان بستر مناسب فساد در اکثر کشورهای "تجارت و سیاست" می‌باشد. این عده فساد با درجه بالا را با یک اثر منفی مانند "گریس در چرخهای اقتصادی" تعریف کرده‌اند.

بخش سوم: تحلیل کیفی و حمایت از نظام اقتصادی کشور آمریکا

در آغاز این فصل بنا دارم ابتدا در خصوص وضعیت اقتصادی آمریکا توضیحاتی ارائه نمایم و سپس سخن در خصوص حمایت کیفی از نظام اقتصادی آغاز نمایم. اقتصاد ایالات متحده آمریکا به دلیل بالا بودن حجم صادرات، واردات، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، مبادلات بازرگانی، همواره به عنوان موتور محرک اقتصاد جهانی معرفی می‌شود. ثابت بودن نرخ رشد تولید ناخالص داخلی، پایین بودن نرخ بیکاری و بالا بودن سطح تحقیقات و تداوم سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی از مهمترین ویژگیهای اقتصادی ایالات متحده آمریکا در چند سال اخیر بوده است. در کنار آن بدهی داخلی و خارجی، افزایش هزینه‌های تامین اجتماعی و افزایش روزافزون قیمت نفت از مهمترین نگرانی‌های اقتصادی آمریکاست. نظام اقتصادی ایالات متحده آمریکا تا حد بسیاری در رابطه با پیشینه تاریخی آن کشور شکل گرفته است. بر اساس تقسیم‌بندی تاریخی، اقتصاد آمریکا در سده‌های هفدهم و هیجدهم با محوریت کشاورزی، در سده نوزدهم و نخستین نیمه سده بیستم با محوریت صنعت و از نیمه دوم سده بیستم با محوریت صنعت و خدمات بوده

است.^۱ مهمترین بحران اقتصادی تاریخ معاصر آمریکا مربوط به دهه ۱۹۳۰ می شود که با افت شدید بازار بورس در سال ۱۹۲۹ شروع شد. رکود روبه افزایش در این دوران منجر به ورشکستگی بسیاری از شرکت ها و کارخانه ها و به تبع آن بیکاری میلیونها نفر در آمریکا شد. علت اصلی بوجود آمدن این بحران، عدم هماهنگی میزان تولیدات آمریکا و تقاضای جهانی برای محصولات آمریکا بود. با روی کارآمدن فرانکلین روزولت و اجرای « طرح نوین » وی که شامل اصلاح سیستم بانکی، تزریق پول به جامعه، و اصلاح سیستم کشاورزی می شد، وضعیت اقتصادی امریکا تا حدی بهبود یافت. پس از جنگ جهانی دوم، سیاست اقتصادی همه رئیس جمهورهای آمریکا، ایجاد شغل‌های جدید، کاهش تورم، کاهش بدهی های دولت، افزایش صادرات، افزایش سرمایه گذاری، موازنه هزینه ها و درآمدها و موازنه مثبت در بازرگانی خارجی بوده است. این اقدامات در دوران کارتر و کلینتون با جدیت بیشتری همراه بوده است. در ابتدای قرن ۲۱ و پس از دومین انقلاب صنعتی با محوریت فن آوری اطلاعاتی، آمریکا از تولید بسیاری از کالاها صرف نظر کرده و بخش بزرگی از سرمایه گذاری دولتی و خصوصی خود را متوجه عرصه های نوین اقتصادی نموده است. سیاست اقتصادی حکومت آمریکا توسط وزارت خزانه داری، شورای مشاورین اقتصادی، اداره مدیریت و بودجه و وزارت بازرگانی تدوین می گردد. در بعد داخلی، هدف سیاستهای اقتصادی حکومت آمریکا، حفظ و ارتقا نرخ رشد اقتصادی سالانه و بهبود شاخصهای مهم اقتصادی است. در بعد خارجی، الویت حکومت آمریکا، حفظ برتری اقتصادی این کشور در صحنه جهانی است. آمریکا یکی از پیشرفته ترین کشورها از نظر تولیدات کشاورزی و دامپروری در جهان است. امروزه ۶ دهم درصد

¹ 1. Senturia, J.J. 'Corruption Political', Encyclopedia of Social Sciences Vol. IV, Pp. 448-452, 1931p 19

از نیروی کار آمریکا در بخش کشاورزی و دامپروری مشغول به کار می‌باشند و این بخش تولید کننده ۹ دهم درصد از تولید ناخالص داخلی در ایالات متحده آمریکا است. ۴۹ درصد از کل درآمد بخش کشاورزی از فروش فرآورده های کشاورزی و ۵۱ درصد از فروش فرآورده های دامی بدست می‌آید. این کشور دومین تولید کننده گندم و اولین تولید کننده پنبه، توتون، میوه، گوشت و پنیر در جهان است. پیشرفت صنعت در آمریکا از سالهای پس از جنگ داخلی با سرعتی سرسام آور آغاز شد. به طوریکه در سال ۱۹۱۴ ایالات متحده آمریکا با تولید ۴۵۵ میلیون تن زغال سنگ بسیار جلوتر از انگلستان بوده و در آن سال به بزرگترین تولید کننده نفت و مصرف کننده مس تبدیل گشت. این روند رشد و در کنار آن نابودی اقتصاد ژاپن، آلمان، انگلستان و فرانسه در دوره جنگ جهانی دوم، آمریکا را به یک تاز میدان صنعت جهان تبدیل کرد. صنایع آمریکا در دهه ۱۹۹۰ با سیاستهای مالی، پولی و اقتصادی کلیتون رشد بی سابقه ای نمودند. میزان تولیدات صنعتی ظرف سه ماه نخست سال ۲۰۰۰ از رشدی معادل ۲,۴ درصد نسبت به زمان مشابه سال ۱۹۹۹ برخوردار بوده است. آمریکا با پشت سر گذاشتن دومین انقلاب صنعتی با محوریت فن آوری اطلاعات در دهه های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ بخش اصلی سرمایه گذاری خود را در زمینه تکنولوژی دیجیتال، الکترونیک و ارتباطاتی متمرکز کرد. مهمتریت تولیدات صنعتی آمریکا را فولاد، موتور وسایل نقلیه، نفت خام، و تجهیزات هوافضا و ارتباطاتی تشکیل می دهد. هم اکنون ایالات متحده آمریکا به لحاظ تولید نفت در رتبه سوم و به لحاظ تولید گاز در رتبه دوم جهان قرار دارد. براساس آمارهای موجود در سال ۲۰۰۷ بخش صنعت با ۲۴ درصد نیروی کار، ۲۰,۶ درصد تولید ناخالص داخلی آمریکا را در اختیار داشته است. نقش خدمات در اقتصاد آمریکا پس از جنگ جهانی دوم بطور مستمر در حال افزایش بوده است. امروزه زمینه های جدیدی چون اطلاع رسانی، داده پردازی، برنامه ریزی رایانه،

گردشگری و ... به لیست خدمات این کشور اضافه شده است. در سال ۲۰۰۷ بخش خدمات، ۷۵ درصد نیروی کار آمریکا را در اختیار داشته است. سهم خدمات در تولید ناخالص داخلی آمریکا، ۷۸٫۵ درصد آن بوده است. کشوری با ظرفیت های ایالات متحده آمریکا سهم بزرگی در بازرگانی بین المللی و اقتصاد سیاسی بین المللی دارد. حجم کل مبادلات بازرگانی آمریکا با جهان در سال ۲۰۰۷ برابر ۳۰۶۰ میلیارد دلار بوده است. در سال ۱۹۹۹ درآمد ملی آمریکا برابر ۹۶۸۰ میلیارد دلار بوده و درآمد ملی سرانه آمریکا رقمی در حدود ۳۲ هزار دلار بوده است. بودجه دولت فدرال آمریکا از طریق کسب مالیات تامین می گردد. بودجه سال ۲۰۰۷ ایالات متحده آمریکا، ۲۵۶۸ میلیارد دلار و هزینه های دولت ۲۷۳۱ میلیارد دلار بوده که نشان از وجود تراز بازرگانی منفی در اقتصاد این کشور دارد. تحولات بین المللی در فاصله خاتمه جنگ سرد و ۱۱ سپتامبر باعث شده است مقامات و سیاست گذاران ایالات متحده خود را در فضایی متلاطم و دوران گذاری ببینند که طی آن نظام جهانی جدیدی مستقر شده و معادلات دنیای نوین را بر پایه اصول جدید خود تنظیم خواهد کرد. بر همین اساس مقامات وزارت امور خارجه آمریکا و به ویژه کاندولیزا رایس به صراحت و به دفعات بر لزوم اتخاذ یک "دیپلماسی سیال" در قالب به کار بردن طیف جامعی از تمامی ابزارهای دیپلماتیک به نحوی که تامین کننده منافع ایالات متحده باشد تاکید کرده اند. بنا به اظهارات مقامات آمریکایی، "دیپلماسی اقتصادی" بخش لاینفک و اساسی این "دیپلماسی سیال" است. شناخت و پیش بینی پیامدهای دیپلماسی اقتصادی آمریکا برای امنیت و منافع ملی جمهوری اسلامی ایران حائز اهمیت ویژه ای است. در همین ارتباط موضوع همکاری نزدیک با سازمان های بین المللی و کشورهای استراتژیکی چون روسیه، چین، هند و اتحادیه اروپا و همچنین امنیت اقتصادی -امنیت انرژی به عنوان اولویت ها و دغدغه های اصلی دیپلماسی اقتصادی آمریکا،

تأثیرات زیادی بر روابط و پیوندهای ایران با کشورهای روسیه، چین و هند دارد؛ به نحوی که توجه به روابط کلان ایالات متحده با این کشورها در حوزه‌هایی نظیر امنیت اقتصاد بین الملل و امنیت انرژی جهانی، می‌تواند حد نهایی اتکای ایران بر روابط خود با کشورهای مذکور را تعیین کرده و از این طریق ضریب احتمال بروز اشتباه در محاسبات سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران را کاهش دهد.

اولویت‌ها و دغدغه‌های دیپلماسی اقتصادی آمریکا به صورت ذیل قابل طبقه‌بندی است:

- همکاری نزدیک با کشورهای استراتژیک
 - تامین امنیت اقتصادی - امنیت انرژی
 - حمایت از گسترش بازارهای آزاد
 - حمایت از شرکت‌های آمریکایی در سراسر جهان
 - تقویت رشد و توسعه اقتصادی
- ایالات متحده در چارچوب دیپلماسی اقتصادی خود و به منظور تحقق‌گذار جهان به سوی نظام بازار آزاد از تحول اقتصادی در کشورهایی نظیر عراق، افغانستان، اوکراین، اندونزی، لبنان و هائیتی حمایت خواهد کرد. این کشور همچنین از تحولات سیاسی و اقتصادی آسیای مرکزی، خاورمیانه و بالکان در مسیر پیش‌گفته، حمایت کامل به عمل خواهد آورد. آمریکا خواهان آن است که این مناطق و کشورها، دوران مناقشه و بی‌ثباتی را پشت سر گذاشته و الگوهای سیاسی و اقتصادی قبلی را به نفع الگوی بازار مدنظر ایالات متحده کنار بگذارند. بنا به اظهارات مقامات وزارت خارجه آمریکا، دیپلماسی اقتصادی

این کشور، مشوق سیاست‌هایی است که نظام بازار و فرهنگ ملازم با آن را در سطح تمامی بخش‌های جامعه بگستراند. در این رابطه، تاکید و حمایت بیشتری از کشورهایی که روابط ویژه اقتصادی با ایالات متحده دارند، به عمل خواهد آمد. برای مثال ایالات متحده برای اطمینان از اینکه چین به عنوان یک "شریک مسئول" در نظام بین‌الملل کنونی به گونه‌ای هماهنگ با ایالات متحده عمل کند با رهبران این کشور همکاری تنگاتنگی خواهد داشت. همچنین ایالات متحده به طور مشخص اهمیت فزاینده هند و روسیه را به عنوان شرکای اقتصادی و استراتژیک مد نظر دارد. اتحادیه اروپا نیز به عنوان بزرگترین حوزه اقتصادی جهان جایگاه ویژه‌ای در دیپلماسی اقتصادی آمریکا خواهد داشت. بر این اساس ایالات متحده، چین، هند، روسیه و اتحادیه اروپا پیوندهای استراتژیک اقتصادی خود با یکدیگر را با هدف ساماندهی نظام اقتصاد بین‌الملل تعمیق و گسترش خواهند داد. در سطح کلان، چین، هند و روسیه الزامات نظام بازار آزاد را پذیرفته و برای ادغام در این نظام با هدف کسب منافع بیشتر و کاهش زیان‌های ناشی از آن، پیوندهای استراتژیک خود با ایالات متحده را بیش از پیش تقویت خواهند کرد تا توسط ایالات متحده و در وهله بعد اتحادیه اروپا به عنوان شرکای مسئول پذیرفته شوند. با توجه به پیوندهای استراتژیک میان آمریکا و سه کشور مذکور، اصل حاکم بر روابط میان آنها به جای "همکاری یا رقابت"، "همکاری و رقابت" خواهد بود و بر این اساس، آنچه میان این شرکا روی می‌دهد رقابت است، نه مناقشه و تعارض استراتژیک. البته این به معنای هماهنگی و یکسانی مواضع این کشورها با ایالات متحده در همه زمینه‌ها نیست؛ روسیه، چین، هند و اتحادیه اروپا به ویژه در روابط سیاسی دو جانبه با آمریکا بر حسب منافع ملی کشور خود، اختلاف نظرهایی با دیدگاه‌های ایالات متحده دارند ولی در عین حال در چارچوب نظام سرمایه‌داری جهانی، در سطح مسائل کلان جهانی همگی به صورت هماهنگ با هم عمل می‌کنند. با در نظر

گرفتن این پیوندهای کلان در چارچوب نظام جهانی سرمایه داری، چین، هند و روسیه روابط خود با سایر کشورها از جمله ایران را در قالب غیراستراتژیک در رده های بعدی اولویت قرار داده اند و از آن به صورت تاکتیکی برای ارتقای موقعیت چانه زنی خود در روابط استراتژیک شان با ایالات متحده استفاده خواهند کرد.^۱ در بعد داخلی، تصویب قانون سیاست انرژی ۲۰۰۵ گامی برای تقویت امنیت انرژی از طریق گسترش سرمایه گذاری در زیر ساخت های انرژی، صرفه جویی، افزایش کارآمدی و تحقیق در زمینه تکنولوژی ها نو بوده است. نکته قابل توجه در این رابطه، اهمیت مجدد روابط ایالات متحده با چین و هند به عنوان مصرف کنندگانی است که در دهه های آینده سهم عمده ای در افزایش تقاضای جهانی انرژی خواهند داشت. روابط با روسیه نیز به عنوان یک تامین کننده بزرگ انرژی در همین چارچوب مطرح است. این کشورها برای تامین امنیت انرژی خود و جهان و تضمین شکوفایی اقتصاد داخلی و بین المللی ناگزیر از همکاری استراتژیک با یکدیگر هستند. مصرف انرژی چین و هند با سرعت فزاینده ای در سال های آینده افزایش خواهد یافت. این در حالی است که آمریکایی ها مدعی هستند بخش اعظم هزینه های تامین امنیت انرژی جهانی توسط ایالات متحده پرداخت می شود. آنها معتقدند چین و هند در این رابطه "سواری مجانی" می گیرند. ایالات متحده بیش از گذشته این کشورها را وادار به مشارکت فعالانه در نظام امنیت انرژی جهان به عنوان بخشی از نظام اقتصاد بین الملل خواهد کرد. به علاوه با توجه به موقعیت (بالقوه) ممتاز روسیه از حیث تولید نفت و گاز، ایالات متحده که نسبت به توان ایفای نقش عربستان به عنوان عامل ثبات بازار جهانی انرژی و بروز بی ثباتی در این کشور و منطقه خاورمیانه نگران است، مایل به افزایش سرمایه گذاری و تولید نفت و گاز روسیه می باشد. پیوندهای استراتژیک این

^۱ نعنکار، مهدی، افساد فی الارض در فقه و حقوق موضوعه، انتشارات مرسل، ۱۳۷۷ ص ۱۲۰

کشورها در چارچوب اقتصاد جهانی ایجاب خواهد کرد که روسیه برای استفاده از سرمایه گذاری های غربی و مزایای بازار آزاد، به صورت یک تامین کننده مسئول و قابل اطمینان در بازار انرژی عمل کند. روس ها نیز به این نقش دلبستگی زیادی دارند و به شدت به سرمایه و بازار غرب در حوزه انرژی و اقتصاد ملی خود نیازمند هستند. با توجه به پیوندهای چند وجهی استراتژیک این کشورها با ایالات متحده، روابطشان در چارچوب نظام بازار بیش از پیش تقویت خواهد شد. تامین امنیت انرژی و اقتصاد جهانی نیازمند هماهنگی این قدرت های بزرگ است و به نظر می رسد تمامی این بازیگران در پذیرش اصول چنین نظامی با یکدیگر اشتراک نظر کلی داشته باشند. بر اساس ملاحظات دیپلماسی اقتصادی آمریکا، صرفاً رژیم های تجارت و سرمایه گذاری آزاد هستند که می توانند رشد اقتصادی پایدار را تقویت کنند. بر همین اساس جورج بوش، ایده آل "جهان بدون یارانه و بدون تعرفه گمرکی" را در اجلاس مجمع عمومی سازمان ملل متحد در سپتامبر ۲۰۰۴ مطرح کرده است. به وضوح هماهنگی کاملی میان این اهداف و اولویت های ایالات متحده در خصوص روابط نزدیک با کشورهای استراتژیک و امنیت اقتصادی دیده می شود. در چارچوب دیپلماسی اقتصادی آمریکا، سازمان جهانی تجارت بهترین محمل برای توسعه تجارت جهانی و رشد اقتصادی کشورهای در حال توسعه است. از دید ایالات متحده، گشایش و گسترش بازارها به ویژه در بخش کشاورزی از اصول اساسی تحقق بازارهای آزاد محسوب می شود. به اعتقاد مقامات آمریکایی یک حرکت اساسی رو به جلو در حیطه آزادسازی بازارهای کشاورزی توسط اروپایی ها می تواند زمینه را برای کشورهای پیشرو و در حال توسعه نظیر هند و برزیل جهت کاهش متقابل تعرفه های محصولات صنعتی و گشایش های جدید در بازار خدمات مهیا کند. دیپلماسی اقتصادی ایالات متحده در کنار تاکید بر توافقنامه های چند جانبه در قالب سازمان جهانی تجارت، برنامه

تجاری فعالی را در چارچوب موافقتنامه های منطقه ای، زیر منطقه ای و دو جانبه دنبال می کند.

بخش چهارم: جرم شناسی نظری و حقوق کیفری اقتصادی

بند اول: نظریه فشار

بزهکار اقتصادی از عقده ی حقارت رنج می برد و همین امر عامل محرک و انگیزه اصلی او برای کسب قدرت بشمار می رود. او عقده ی خود را با خرید کالاهای اشرافی نشان می دهد مثلاً استفاده از خودرو های آخرین سیستم. ولی، در عین حال باید توجه داشت که مجرم اقتصادی از چنان قدرت و توانایی فکری برخوردار است که آن دسته علایم بیرونی قدرت را که حساس برانگیز است مخفی می نماید. مثلاً به منظور عدم پرداخت مالیات اموال آنها را به پول نقد تبدیل یا به شخص دیگری در خارج منتقل می کند.^۱ ایراد این نظریه این است که فرد مجرم را جدای از محیط و موقعیت یا وضعیتی که در آن عمل می کند قضاوت و تحلیل می کند. مثلاً کارمندی که اراده ی ارتکاب جرم دارد ولی کنترل های قانونی و اداری مانع این امر می شود. بزهکاران اقتصادی وسایل قانونی را، به منظور دست یابی به بالاترین نماد موفقیت دور می زنند. در واقع بین اهداف سطح بالای بزهکاران اقتصادی و وسایل قانونی دست یابی به اهداف شکاف قابل توجهی وجود دارد. درست مثل کسی که می خواهد در مسابقات وزنه برداری مقام نخست را کسب کند ولی به دلیل عدم تمرین به دوپینگ متوسل می شود. خلاقیت بزهکار اقتصادی به واسطه ی شکاف بین هدف های مادی و وسایل و امکانات قانونی ایجاد می گردد. که فرد را در یک حالت خلاء هنجاری و عدم احساس پابندی قرار می دهد. هر چقدر این

^۱ قدیری اصلی، باقر، سیراندیشه اقتصادی انتشارات دانشگاه تهران چاپ نهم ۱۳۷۶ ص ۱۲۶

شکاف بیشتر باشد بی اعتنایی به هنجارها و دور زدن قانون بیشتر می شود. مرتن بزهکاری را ناشی از وضعیتی می داند که جامعه به وجود آورده است وی معتقد است که جامعه باید از طریق تبلیغات در این اهداف تجدیدنظر نماید و امکان دستیابی را برای همه فراهم نماید. این نظریه مختص جوامع دارای اقتصاد غیردولتی است. زیرا، در کشورهای دارای اقتصاد دولتی خود دولت فروشنده و تاجر بزرگ محسوب می شود.

بند دوم: نظریه های مربوط به محیط اقتصادی

هر چه فعالیت های اقتصادی بیشتر و متنوع تر باشد زمینه های کسب سود و در عین حال ارتکاب جرم نیز بیشتر است. (نظریه های گایس و نظم اجتماعی و فردی مری دلماس مارتی)

دلایل ارتکاب جرم از دیدگاه این نظریه: ۱- استفاده ی ناخواسته ی قدرت های بزرگ از شرکتها و صاحبان سرمایه. در واقع نیاز قدرت های بزرگ به پول توسط محیط اقتصادی بزرگ تامین می شود. ۲- به خاطر ارتباط فعالان اقتصادی با حاکمیت با جرایم آنها با اغماض برخورد می شود. ۳- محیط اقتصادی محیطی شفاف نیست در نتیجه فعالیت آنها تحریک برانگیز نیست و تقبیح عمومی را به دنبال ندارد. ۴- رسیدگی به این جرایم به اهل فن واگذار که این امر سبب تضعیف نمود بیرونی کنترل این جرایم می شود. و ...

بند سوم: نظریه های چند عاملی

این نظریه جرم را نتیجه ی تعامل عوامل مختلف می داند.

الف- نظریه ی فونتان: وی انگیزه را دلیل ارتکاب جرم توسط مجرمین اقتصادی معرفی

می کند و در انگیزه سه عامل را موثر می داند: ۱- عوامل روانی و فردی مثل عدم پختگی اقتصادی یا گذشته ی ناموفق و ... ۲- عوامل اجتماعی: قضاوت دیگران، محیط پیرامون که

بخشی از شخصیت افراد را تشکیل می‌دهد و فرد تلاش می‌کند از هر طریق ممکن ثروت اندوزی کند. ۳- عوامل مادی: جنون کسب پول و مادیات چنان است که عقلانیت آنها را متوقف می‌کند در نتیجه دست به ارتکاب جرم میزنند.

ب- نظریه ی کوراکیس: وی جرایم اقتصادی را ناشی از سه عامل تاریخی، محیطی و فردی می‌داند. او عامل تاریخی را در سه فرایند افزایش جمعیت، توسعه ی شهرها و توسعه ی صنعت و فن آوری که مسوولیت اشخاص حقوقی را نشانه می‌رود بیان می‌دارد. برای عامل محیطی دو رکن جامعه در مفهوم کلان که افراد را به مصرف هر چه بیشتر ترغیب می‌کند و فن آوری نوین که به ابزاری برای جرایم اقتصادی تبدیل شده است بیان می‌دارد. در واقع این دو عامل ارزش‌های جدیدی ایجاد کرده‌اند.

عامل سوم شخصیت بزهکار یعنی زرنگی و هوش مرتکبین این جرایم است که او را به سمت سوء استفاده به موقع از سادگی بزه دیدگان سوق می‌دهد.

ج- نظریه ی بائر: این نظریه بر واکنش اجتماعی نسبت به جرایم تکیه دارد و ضمانت اجرای جرایم اقتصادی را مورد بررسی قرار می‌دهد. که این عوامل عبارتند از: ۱- ضعف مبارزه با جرم اقتصادی یا سبک بودن ضمانت اجرای این جرایم. ۲- ارتباط محافل سیاسی با محافل قدرت و سیاست، آنها در تدوین لوایح اثرگذارند و با خدماتی که به محافل قدرت می‌کنند. توقعاتی از این مسئولین دارند. ۳- موقعیت اجتماعی بزهکاران که موقعیت اعتماد ساز است. و می‌تواند جرم را باشد. ۴- فن آوری که باعث سهولت ارتکاب این جرایم توسط افراد صاحب فن شده است. ۵- جهانی شدن که از دو بعد قابل بررسی است. اول آنکه جهانی شدن اقتصاد در قالب شرکت‌های چند ملیتی متبلور شده است. و با ورود این شرکت‌ها به کشورهای ارزش‌های اقتصادی را به دنبال دارد. دوم

جهانی شدن معنوی که از طریق اسناد بین المللی صورت می پذیرد. جهانی شدن اقتصاد زمینه ی سوء استفاده های بین المللی فراهم می شود.

بند چهارم: نظریه های مرتبط با محیط اجتماعی

نقش نظام اقتصادی و سیاسی بر جرایم اقتصادی. ۱- تاثیر شرایط اقتصادی بر بزهکاری اقتصادی: در کشورهای سرمایه داری مالکیت خصوصی محترم و اعمال علیه آن جرم محسوب می شود. در این کشورها با مجرمین یقه سفید روبرو هستیم. اما در کشورهای سوسیالیستی مالکیت عمومی و اشتراکی در چنین نظام هایی سبب می شود که شهروندان درکی از مفهوم دارا شدن نداشته باشند. بنابراین، جرم یقه سفیدی موضوعیت ندارد. و آنچه هست فساد دولتی است. در کشورهای سرمایه داری در دوران رشد و شکوفایی اقتصادی امکان افزایش بزهکاری حرفه ای بالا است. بر خلاف دوران رکود اقتصادی که بزهکاری حرفه ای کاهش می یابد. و جرایمی که ریشه ی آنها غالباً اقتصادی است. چون سرقت، خیانت در امانت و کلاهبرداری و ... رو به افزایش است.

۲- تاثیر شرایط سیاسی بر بزهکاری اقتصادی: نوسانات بزهکاری تا اندازه ی زیادی تحت تاثیر اقدامات قوه ی مقننه است. زیرا، با یک جهت گیری اقتصادی توسط آن ارزش های جدیدی به وجود می آورد. که نقض آنها جرم انگاری می شود. و بر تعداد مجرمین می افزاید. برعکس چنانچه یک سلسله جرایم را نادیده بگیرد نرخ بزهکاری پایین می آید. در مورد واکنش های حقوقی باید گفت ماهیت جرایم اقتصادی طوری است که به قوانین شکلی بعد خاصی داده است. اگر چه هنوز در خصوص تعریف این جرایم و مصادیق آن جامعیتی وجود ندارد. ولی با تلاش حقوقدانان یک جمع بندی کلی در این زمینه وجود دارد. که آن را ذیل حقوق کیفری اقتصادی مطرح و تعریف می نمایند.

وادی پیشگیری در خصوص جرایم اقتصادی تدابیر خاص وجود دارد. جرم‌شناسی اقتصادی یک جرم‌شناسی اختصاصی است یعنی مطالعه‌ی یک جرم خاص و علل ارتکاب آن. در خصوص مجرمین اقتصادی روش‌های خاص در مورد اصلاح و جامعه‌پذیری آنها وجود دارد. به همین ترتیب در اسناد بین‌المللی مربوط به جرایم اقتصادی شاهد اختصاص مواد خاص به این جرایم از ابعاد و جنبه‌هایی همچون پیشگیری از جرم و اصلاح و بازپروری مجرمین هستیم. بزه‌کاران اقتصادی از نظر سازگار بودن با جامعه، فردی عادی و هم‌نوا و هم‌گام با مقررات جامعه است. و از خلاء هنجارهای حاکم بر محیط و بستر کاری خود برای ارتکاب جرم استفاده می‌کنند. یقه سفیدها با وجود داشتن امکانات فراوان و توفیق اجتماعی زیاده خواهند و از آنجا که وسایل قانونی را در اختیار ندارند متوسل به وسایل و روش‌های غیر قانونی می‌شوند. برای پیشگیری و مبارزه با جرایم اقتصادی باید خلاء موجود را رفع کرد. و جامعه را برای ممانعت از ایجاد بستر مناسب برای ارتکاب این جرایم آماده کرد.

بخش پنجم: نهادهای سیاست‌گذار در حمایت کیفری و امنیت اقتصادی آمریکا

از آنجا که شناسایی نهادهای تصمیم‌گیرنده در عرصه‌های مختلف سیاست‌گذاری ملی می‌تواند به درک و دریافت روشن‌تر از خاستگاه‌ها و اهداف سیاست‌های ملی کشورها بینجامد مطلب ذیل با هدف ترسیم تصویری کلی از نقش و کارکرد نهادها و سازمان‌های دخیل در تدوین دیپلماسی اقتصادی و سیاست‌های تجاری ایالات متحده تهیه و ارائه شده است:

این کمیته در واقع یک تیم صادراتی دولت فدرال آمریکاست؛ یک گروه اجرایی بین سازمانی به ریاست وزیر بازرگانی ایالات متحده که موظف به تفکر و طراحی استراتژیک درخصوص جایگاه رقابتی جهانی آمریکا است. این کمیته بر اساس نقش هدایتی خود در توسعه صادرات و خدمات مالی تجاری، برخی اصول استراتژی ملی صادرات ایالات متحده را به شرح ذیل تعیین و ارائه کرده است:

الف) کاهش کمک های مغل امر تجارت به میزان ۵ میلیارد دلار در سال

ب) آزاد سازی قابل توجه کنترل های صادراتی درخصوص محصولات با تکنولوژی پیشرفته از طریق همکاری نزدیک با "دفتر امنیت صنعتی" با هدف رها ساختن ۴۲ میلیارد دلار صادرات از قید الزامات مجوزی.

ج) ایجاد و پیشبرد فرآیندی برای هماهنگی برنامه های صادراتی بین "اداره تجارت خرد" و بانک ExIm با هدف افزایش ۴۵ درصدی وام های صادراتی اعطایی این نهادها.

د) ارائه یک بودجه توسعه تجارت شفاف و در عین حال مبتنی بر صرفه جویی. بررسی ها نشان می دهد این سازمان با صرف هزینه ۳ میلیارد دلار، به میزان ۶۸ میلیارد دلار به صادرات ایالات متحده کمک کرده است.

۲- وزارت بازرگانی

وزارت بازرگانی ایالات متحده مسئول ایجاد شغل، رشد اقتصادی، توسعه پایدار و بهبود استانداردهای زندگی برای تمام آمریکایی ها از طریق کار و مشارکت با فعالان اقتصادی، دانشگاه ها، اجتماعات و کارگران است. وزارت بازرگانی سیاست های ذیل را در دستور

کار خود دارد:

الف) ایجاد و ارتقای توان رقابتی ایالات متحده در بازار جهانی از طریق تقویت زیرساخت‌های اقتصاد ملی

ب) حفظ موقعیت رقابتی آمریکا از طریق تمرکز بر علوم و تکنولوژی‌های پیشرفته غیر قابل رقابت اطلاعات محور

ج) فراهم ساختن و اعمال یک مدیریت موثر و رو به پیش درخصوص منابع و دارایی‌های ملی برای تضمین فرصت‌های پایدار اقتصادی آمریکا.

۳- شورای مشاوران اقتصادی

وظیفه این شورا ارائه مشاوره مستقیم به رئیس جمهور و اعضای ارشد هیئت حاکمه آمریکا است. همچنین این شورا می‌کوشد از طریق یک فرآیند بین‌سازمانی، درک و تصویری عمومی از مسائل اقتصادی ایجاد و آن را ارتقا ببخشد و از این طریق سیاست‌های اقتصادی را ارزیابی نموده و توصیه‌هایی برای تصمیم‌گیری رئیس جمهور ارائه نماید. شورا از طریق جمع‌آوری و تدوین اطلاعات اقتصادی آمریکا، رئیس جمهور را در تدوین و ارائه گزارش سالانه اقتصادی این کشور یاری می‌کند. به علاوه شورای مشاوران، سیاست‌های اقتصاد ملی برای تقویت و بهبود رقابت آزاد و پرهیز از نوسانات اقتصادی و یا کاهش اثرات آن بر حفظ اشتغال، تولید و قدرت خرید را طراحی و در قالب مطالعات، گزارش‌ها و توصیه‌ها، در اختیار رئیس جمهور قرار می‌دهد.

۴- وزارت دفاع

وزارت دفاع در چارچوب برنامه‌های منظمی نسبت به صادرات محصولات نظامی و

استراتژیک بر اساس "قواعد بین‌المللی ترافیک تسلیحات" اقدام می‌کند.

۵- وزارت انرژی

وزارت انرژی ایالات متحده یک آژانس قدرتمند با نقش رهبری علوم و تکنولوژی به گونه ای است که تحقیقاتش از امنیت انرژی و به طریق اولی از امنیت ملی، کیفیت محیط زیست و زندگی بهتر برای شهروندان آمریکایی حمایت کند.

۶- شورای ملی اقتصاد

وظایف این شورا عبارتند از:

(الف) هماهنگی فرآیند سیاستگذاری ملی با توجه به مسائل اقتصادی داخلی و بین المللی

(ب) هماهنگ کردن مشاوره های سیاست اقتصادی به رئیس جمهور

(ج) اطمینان از همخوانی تصمیمات و برنامه های سیاست اقتصادی با اهداف اعلامی رئیس جمهور و همچنین اطمینان از تعقیب و اجرای موثر این اهداف

(د) نظارت بر اجرای دستور العمل سیاست اقتصادی رئیس جمهور

۷- دفتر مدیریت و بودجه

وظیفه اصلی این نهاد کمک به رئیس جمهور در آماده کردن بودجه فدرال و نظارت بر دستگاه های اجرایی است. دفتر مدیریت و بودجه ضمن کمک به رئیس جمهور در فرموله کردن هزینه طرح ها، موثر و کارآمد بودن برنامه ها و سیاست ها را ارزیابی می کند و همچنین اطمینان حاصل می کند که برنامه های اجرایی و عملکرد هر سازمان با بودجه و سیاست های رئیس جمهور همخوانی داشته باشد.

۸- آژانس سرمایه گذاری خصوصی ماوراء بحار

این آژانس دولتی به تمامی فعالان اقتصادی ایالات متحده در تمامی سطوح برای سرمایه گذاری و رقابت در ۱۴۰ بازار در حال ظهور در سراسر جهان کمک می‌کند. این کمک‌ها در راستای منافع استراتژیک و اقتصادی آمریکا اعطا می‌شوند. هزینه کمک‌های این آژانس بر عهده شرکت یا موسسه دریافت‌کننده کمک است و از این نظر هزینه‌ای بر مالیات‌دهندگان ایالات متحده تحمیل نمی‌شود. ذخایر آژانس در حال حاضر بیش از ۳/۷ میلیارد دلار است.

۹- اداره بازرگانی خرد ایالات متحده

این اداره در سال ۱۹۵۳ با هدف ارائه کمک‌های مالی، تکنیکی و مدیریتی به فعالان اقتصادی آمریکا جهت آغاز، راه‌اندازی و توسعه فعالیت اقتصادی شان ایجاد شده است و انواع وام‌های تجاری، حوادث غیر مترقبه و را به ارزش ۴۵ میلیارد دلار اعطا نموده است. این اداره بزرگترین حامی مالی فعالیت‌های اقتصادی خرد در ایالات متحده است و سال گذشته به بیش از یک میلیون فعالیت اقتصادی خرد کمک‌های مدیریتی و تکنیکی اعطا کرده است.

۱۰- آژانس توسعه و تجارت ایالات متحده

وظیفه این آژانس کمک به ایجاد شغل برای آمریکایی‌ها از طریق یاری رساندن به شرکت‌های آمریکایی برای تعقیب و کسب فرصت‌های اقتصادی ماورا بحار است. این آژانس از طریق فراهم کردن زمینه مطالعات امکان‌سنجی، بازدیدهای اقتصادی، بورس‌های آموزش تخصصی، کارگاه‌های آموزشی اقتصادی و انواع کمک‌های تکنیکی به فعالان اقتصادی آمریکا یاری می‌رساند تا برای کسب امتیاز پروژه‌های زیربنایی و صنعتی در کشورهای در حال توسعه با درآمد متوسط رقابت کنند.

۱۱- وزارت خزانه داری

این وزارت خانه وظایفی نظیر کمک و تقویت یک اقتصاد شکوفا و باثبات در آمریکا و سایر اقتصادهای جهان، مدیریت مالی دولت و حفاظت از نظام مالی ایالات متحده را بر عهده دارد.

۱۲- آژانس توسعه بین المللی ایالات متحده

یک آژانس دولتی است که برنامه های کمک های بشردوستانه و اقتصادی خارجی ایالات متحده را طراحی و اجرا می کند. سابقه این آژانس به طرح مارشال در دوره پس از جنگ جهانی دوم باز می گردد.

۱۳- دفتر نمایندگی تجاری ایالات متحده

این دفتر مسئول توسعه و هماهنگی تجارت بین الملل ایالات متحده، سیاست سرمایه گذاری خارجی و رهبری یا هدایت مذاکرت در این حوزه ها با سایر کشورها است. نماینده تجاری ایالات متحده عضو کابینه و مشاور، مذاکره کننده و سخنگوی اصلی رئیس جمهور در تجارت و سرمایه گذاری است. نمایندگی از طریق یک ساختار بین سازمانی، سیاست تجاری را هماهنگ نموده، اختلافات تجاری بین سازمانی را حل کرده و مسائل تجاری را برای تصمیم گیری رئیس جمهور سازماندهی می کند. زیانها و کاهش ارزش دفتری دارایی ها هم اکنون ۳۳۵ میلیارد دلار است و بسیاری از بهترین کسب و کارهای آنها از بین رفته است. در اقتصادهای توسعه یافته، تقریباً همه بانکها با بادهای مخالف اقتصادی و قانون گذاری روبه رو هستند که درآمد و اشتغال را کاهش خواهند داد، اما بزرگترین خطری که سرمایه غرب با آن روبه رو است، کاهش قدرت کسب درآمد نیست بلکه از دست دادن ایمان به چگونگی کارکرد آن است. دو انتقاد در مورد این صنعت وجود دارد،

یکی بر پایه انصاف و دیگر بر پایه بهره‌وری در مورد اولی گفته می‌شود به جای آنکه سرمایه به جیب مشتریان، سهامداران یا اقتصاد برود، برای ثروتمند کردن بانکداران دست به کار می‌شود. برخی در مورد شیوه محاسبه پاداش‌ها نگرانند، دیگران در مورد خطر اخلاقی، بانکداران شرط‌بندی‌های حساب‌نشده خواهند کرد، زیرا می‌دانند توسط مالیات دهندگان از ورشکستگی نجات پیدا می‌کنند. همچون بانک بیراسترنز یا نورترن راک. پرسش عمیق‌تر این است که آیا شیوه مبنی بر بازار برای تامین سرمایه کارآمد است یا خیر. برخی از مقامات چینی ادعا می‌کنند نظام غربی با این بحران آشکار مواجه شده است. رییس‌جمهوری آلمان گفت: «دیو» بازارهای مالی «باید به جای خود برگردد:» مسوولان بانک‌ها موجب «ویرانی گسترده دارایی‌ها» شده‌اند. منتقدان بدون دستاویز نیستند. اشتباه در تامین اعتبار در مورد بازار وام مسکن ساب‌پرایم نشان‌دهنده تخصیص خردمندانه سرمایه نیست. تصویر مبهم نظام بانکی و پیچیدگی محصولاتی که با دارایی پشتیبانی می‌شوند، تردید در مورد شیوه کار بازار را افزایش داده است.

بخش ششم: مبارزه با جرایم اقتصادی در آمریکا

مسأله «پول‌شویی» با نگرش امروزی، برای نخستین بار در سال ۱۹۷۹، که حاصل فروش مواد مخدر بود، مطرح گردید. کشفی که به تشکیل پرونده ایتالیایی - آمریکایی منجر شد. برخی عقیده دارند که ریشه واژه پول‌شویی به مالکیت مافیا بر شبکه‌ای از رخت شویخانه های ماشینی در ایالت متحده آمریکا، در دهه ۱۹۳۰ برمی‌گردد. پول‌شویی فعالیت غیرقانونی است که در طی انجام آن، عواید و درآمدهای ناشی از اعمال خلاف قانون، مشروعیت می‌یابد. به عبارت دیگر پول‌های کثیف ناشی از اعمال خلاف به پول‌های به‌ظاهر تمیز تبدیل می‌شوند و در بدنه اقتصاد جایگزین می‌شود. از یک منظر، «پول‌شویی» ساز و کاری است که از طریق آن درآمدهای نامشروع ناشی از فعالیت‌های غیرقانونی و

سازمان یافته، مشروع جلوه داده می‌شود. مسأله «پول شویی» با نگرش امروزی، برای نخستین بار در سال ۱۹۷۹ و با کشف یک چمدان حاوی ششصد میلیون دلار پول نقد در فرودگاه پالمو، که حاصل فروش مواد مخدر بود، مطرح گردید. کشفی که به تشکیل پرونده ایتالیایی - آمریکایی «ارتباط پیتزا» منجر شد و در سال ۱۹۸۵ محاکمه آن برگزار گردید؛ اما، در خصوص نخستین زمان استفاده از واژه پول شویی و رواج آن، میان محققان اتفاق نظر وجود ندارد؛ برخی عقیده دارند که ریشه واژه پول شویی به مالکیت مافیا بر شبکه‌ای از رخت شویخانه‌های ماشینی در ایالت متحده آمریکا، در دهه ۱۹۳۰ برمی‌گردد؛ در آن دوران گانگسترها پول‌های بدست آمده از فعالیت‌های مجرمانه خود را با بهره جویی از کسب و کارهای به ظاهر مشروع مانند تملک و اداره رخت شویخانه صورتی مشروع و قانونی می‌بخشیدند؛ در مقابل گروهی دیگر انتخاب واژه پول شویی را دقیقاً به خاطر مفهوم شست و شو و تطهیر کردن که در این واژه نهفته است، می‌دانند؛ زیرا در فرآیند پول شویی نیز با مجموعه‌ای از نقل و انتقالات و اقدامات پول‌های نامشروع را به صورتی مشروع درمی‌آورند؛ اگر چه قول دیگری نیز وجود دارد مبنی بر اینکه ریشه این کاربرد را به قضیه رسوایی واتر گیت مربوط می‌سازند. توافق نظر عمومی در مورد کلیات ارکان اصلی هر نظام ضد پول شویی وجود دارد. اما از آنجا که کشورها دارای نظام های مالی و قانونی گوناگونی هستند، باید براساس شرایط و ساختارهای قانونی خاص خود عمل کنند. با این حال، در سطح ملی و بین المللی اصول مشترکی در مورد ارکان حقوقی و اجرایی نظام های مبارزه با پول شویی وجود دارد که شناخت این اصول در تدوین قوانین منع پول شویی راهگشا خواهد بود.

نتیجه گیری

با نگاهی اجمالی به مفاد قوانین حقوقی به راحتی می توان دریافت که در حال حاضر، برخی مفاسد اقتصادی حاضر نظیر استفاده از رانت های اطلاعاتی و پول شویی و امثالهم با قوانین جزایی موجود قابل تعقیب کیفری نیستند و این امر با توجه به اصل حقوقی «قانونی بودن جرم و مجازات» دست مردان قضا را در برخورد با مفسدان اقتصادی بسته است از این رو به نظر می رسد که قوه مقننه باید هرچه سریع تر با توجه به مقتضیات روز، قوانین جزایی جامعی را برای برخورد با مفسدین اقتصادی در موارد خلأهای قانونی به تصویب برساند. مقررات قانونی در برخورد با سوءاستفاده و بهره مندی مفسدین اقتصادی، سیاسی و پول شویی و نیز ثروت های نامشروع تحصیل شده در داخل کشور و همچنین انتقال ثروت های نامشروع خود به خارج از کشور و بانک های خاص و حساب های ناشناخته از عوامل ایجاد فساد اقتصادی است که نیازمند وضع قوانین جدید است. از سوی دیگر کمبود مکانیزم لازم در مورد نظارت قضایی کافی بر عملکرد مراکز اقتصادی کشور توسط سازمان بازرسی کل کشور به عنوان بازوی نظارتی قوه قضاییه و عالی ترین نهاد نظارتی کشور کاملاً مشهود است و همین امر باعث شده تا این تشکیلات عریض و طویل به نهادی تشریفاتی تبدیل شود. وجود ابهام و نقص و فقدان شفافیت لازم در ضوابط و مقررات نیز بسترسازی مناسبی برای مفاسد اقتصادی ایجاد کرده است که این معضل نیازمند صدور دستورالعمل ها و بخش نامه هایی شفاف ساز در مؤسسات دولتی و بانک ها می باشد. معضل فوق همچنین در عدم حاکمیت نظم قانونی در سیستم اقتصادی کشور به لحاظ فقدان یا ضعف ممانعت اجراهای برخوردها با متخلفین و پایمال کنندگان نظم و مقررات قانونی نیز متبلور شده است. متأسفانه بسیاری از مدیران در حوزه مدیریتی خود فعال مایشاء بوده و یا تخطی از ساحت قانون و عدم ترس از برخورد قضایی، اراده و میل ناصحیح خود

را اعمال می کنند. اگر جرایم اقتصادی را به رفتار مجرمانه ای اطلاق کنیم که موجب اختلال در نظام تولیدی و پولی و ارزی کشور شده ، در قوانین جزایی برای آن مجازات یا اقدام تامینی در نظر گرفته شده است وهدف از جرم انگاری در قلمرو جرایم اقتصادی ، حمایت کیفری از نظام اقتصادی کشور است . در کتب فقهی جرم تعریف نشده و فقها بجای تعریف فقط آن را طبقه بندی کرده اند . اقتصاد در فرهنگ اسلامی و قران به معنای اعتدال و میانه روی در همه امور به کار رفته است . درحال حاضر حدود دوهزارعنوان مجرمانه درمجموعه قوانین کیفری که مشمول جرایم اقتصادی می شود، وجود دارد مانند : قاچاق کالا و ارز، پولشویی، احتکار، ربا و رباخواری ، رشا و ارتشاء ، جرایم مالیاتی ، اخلال در نظام تولیدی کشور و....جرایم اقتصادی به لحاظ آثار و تبعات اجتماعی آن عمدتا غیر قابل گذشت محسوب می شوند و برخی دیگر قابل گذشت هستند. به همین دلیل، تعقیب و محاکمه مرتکبان جرایم اقتصادی منوط به طرح شکایت توسط شاکی خصوصی نیست و دادسرا به طور مستقیم مکلف به تعقیب متهم است. از نگاه روانشناسی مرتکبان این نوع از جرایم واقعا نیازمالی نداشته بلکه از نظر طبقه بندی شخصیتی، افراد زیاده خواهی محسوب می شوند که به نوعی شهوت پول دارند و می خواهند به هر طریق ممکن به قدرت بالای اقتصادی دست یابند. به عبارتی در تلاشند به بالاترین درجه از قدرت برسند که این رفتار نشات گرفته ازعقده روانی آنهاست. پیرو این موضوع برخی از روانشناسان براین باورند؛ اشخاصی که عقده حقارت دارند،اغلب می خواهند به قدرت خیلی بالایی در زمینه اقتصادی دست یابند تا درنهایت فرمانروایی کنند.اما چون دستیابی به این نوع از قدرت به صورت سالم برایشان میسر نیست ، دست به چنین جرایمی می زنند.

منابع و مآخذ

- ۱- بانک مرکزی مجله علمی - تخصصی روند شماره‌های ۳۶ و ۳۷ اسفندماه ۱۳۸۱ تهران.
 - ۲- حبیبی نادر فساد اداری عوامل مؤثر و روشهای مبارزه با فساد مؤسسه فرهنگی انتشارات وثقی تهران ۱۳۷۵.
 - ۳- روزبهان، محمود، مبانی توسعه اقتصادی انتشارات تابان چاپ ششم تهران ۱۳۸۱.
 - ۴- سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور مرکز مدارک اقتصادی - اجتماعی و انتشارات قانون بودجه سنواتی کشور در سال های مختلف
 - ۵- سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور " قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۸۴-۱۳۸۸)"
 - ۶- فرجادی، غلامعلی، اقتصاددانان بزرگ قبل از کینز، انتشارات وثقی تهران ۱۳۵۷.
 - ۷- فرجادی، غلامعلی، ظهور و افول علم اقتصاد توسعه مجله برنامه و توسعه شماره ۹ بهار ۱۳۶۶
 - ۸- فرهنگ، منوچهر، اقتصاد معاصر، رشد، بحران و استراتژیهای اقتصادی انتشارات سروش تهران ۱۳۷۶.
 - ۹- قدیری اصلی، باقر، سیراندیشه اقتصادی انتشارات دانشگاه تهران چاپ نهم ۱۳۷۶.
 - ۱۰- م- سوادگر، اقتصاددانان کلاسیک و نظریه ارزش انتشارات افست چاپ دوم ۱۳۵۷
- ۳۰ | تهران .

۱۱- نصیری ، حسین ، توسعه پایدار چشم انداز جهان سوم انتشارات فرهنگ و اندیشه چاپ اول تهران ۱۳۷۹ .

۱۲- گلدوزیان. ایرج، بررسی تعریف جرم محاربه و افساد فی الارض در فقه و حقوق ۱۳۹۲.

۱۳- شامیاتی، دکتر هوشنگ، حقوق کیفری اختصاصی، جلد سوم (جرائم بر ضد مصالح عمومی کشور)، تهران، انتشارات مجد، ۱۳۸۸.

۱۴- نعنایکار، مهدی، افساد فی الارض در فقه و حقوق موضوعه، انتشارات مرسل، ۱۳۷۷.

۱۵- بای ، حسینعلی، مقاله افساد فی الارض چیست؟ مفسد فی الارض کیست؟

۱۶- حبیب زاده، محمد جعفر، محاربه و افساد فی الارض در حقوق جزای اسلام، انتشارات کیهان، زمستان ۱۳۷۰.

۱۷- بابایی، محمدعلی: انصاری، اسماعیل، تحلیل هزینه های جرم ، نامه مفید، زمستان ۱۳۹۱، شماره ۹۴

۱۸- پژوهان، جمشید: مداح ، مجید، بررسی اقتصادی قاچاق در ایران، پژوهشنامه اقتصادی ، بهار ۱۳۸۵، شماره ۲۰

۱۹- کلی ، کیاندرخت ، مقاله نظام اداری و قاچاق کالا ؛ ار علت شناسی تا راه کارهای پیشگیرانه ، فصلنامه مطالعات پیشگیری از جرم ، سال پنجم ، شماره چهاردهم ، بهار ، ۱۳۸۹

۲۰- جفره ، منوچهر ، مقاله نقش دو گانه سیاست های بازرگانی خارجی و واکنش های

اجتماعی قانونی در برابر پدیده قاچاق ، مجله سیاسی - اقتصادی ، شماره ۲۳۲-۲۳۱

۲۱- ساکی، محمد رضا، حقوق کیفری اقتصادی، جنگل، چاپ دوم، ۱۳۹۰